

اثربخشی آموزش هوش موفق بر حل مسائل آموزشی دانش آموزان ابتدایی پایه ششم شرق تهران

شیما صالحی^۱، فاطمه آزادی^۲

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام شهر

چکیده

پژوهش حاضر، از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها روش نیمه آزمایشی و با بهره‌گیری از روش طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. با توجه به موضوع مورد مطالعه جامعه را کودکان پایه ششم مدارس ابتدایی شرق تهران قرار دادیم که بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۴۰ نفر را انتخاب کردیم. از این ۴۰ نفر ۲۰ نفر را گروه آزمایش و ۲۰ نفر را گروه کنترل قرار دادیم. برنامه آموزشی که شامل بسته هوش موفق بابایی (۱۳۹۵) بود که دارای سه بحث کلی مهارت‌های تحلیلی، خلاق و مهارت‌های عملی بود. گروه کنترل نیز هیچ آموزشی دریافت نکردند و گروه آزمایش هر جلسه به مدت یک ساعت و نیم در هر هفته آموزش دیدند. بعد از آموزش و طی شدن جلسات تعریف شده، پرسشنامه حل مسئله آموزشی محقق ساخته به دانش آموزان داده شد. بعد از گردآوری داده‌های و تجزیه و تحلیل آن‌ها از طریق آزمون کوواریانس و نرم‌افزار SPSS نتایج گزارش شد. نتایج کوواریانس نشان داد آموزش هوش موفق موجب افزایش حل مسائل آموزشی توسط خود دانش آموزان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: هوش موفق، حل مسائل آموزشی، دانش آموزان ابتدایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

مواجهه و رویارویی با مسائل و مشکلات در زندگی جمعی و فردی امری طبیعی است. مسائل شخصی و اجتماعی بسیار زیادی زندگی افراد را احاطه کرده است که حل آن‌ها از ضروریات یک زندگی سالم چه از لحاظ بدنی و چه از لحاظ روانی است (شکوہی یکتا، دوایی، زمانی، پورکریمی و شریفی، ۱۳۹۲). دانش‌آموز در زندگی تحصیلی خود درگیر مسائل آموزشی و اجتماعی زیادی است اما کودکانی که دارای هوش موفق هستند از طریق مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله‌ای که دارند می‌توانند مسائل آموزشی خود را حل‌وفصل کنند. این همان دانش‌آموزانی هستند که در تعریف بابایی (۱۳۹۵) بیان می‌کند که بعضی از دانش‌آموزان برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا هستند. این دانش‌آموزان، حتی پس‌ازآنکه شکست می‌خورند؛ دست از تلاش برنمی‌دارند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش ادامه می‌دهند، درواقع این افراد دارای انگیزش بالا می‌باشند (بابایی، ۱۳۹۵).

بنابراین هوش به‌عنوان یکی از جذاب‌ترین فرآیندهای روانی در فرد می‌تواند او را کمک کند تا مسائل آموزشی و اجتماعی خود را حل کند. نظریه هوش موفق از نظریه‌های مربوط به هوش است که توسط استنبرگ ارائه شده است. افرادی هستند که در تحصیلات موفق بوده‌اند ولی در مسائلی شکست می‌خورند یا در مدرسه شکست می‌خورند و در مسائل دیگر موفق هستند. افرادی هستند که نمره بالایی در آزمون‌های هوشی کسب کرده‌اند؛ ولی در تعاملات اجتماعی فاقد مهارت هستند یا افرادی هستند نمره پایینی در آزمون‌های هوشی دریافت می‌کنند اما در آزمون‌های عملی کارآمد هستند. عامه مردم نیز بین هوش تحصیلی و هوش عملی تفاوت قائل‌اند (استنبرگ، ۲۰۰۰).

بابایی، مکتبی، بهروزی و آتش‌افروز (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای نشان دادند آموزش هوش موفق می‌تواند تفکر انتقادی و تحمل ابهام را در دانشجویان افزایش دهد. ابراهیمی حکیم زاده و حجازی (۱۳۹۵) نشان دادند مخلفه‌های هوش موفق با پیشرفت تحصیلی دارد. مطالعه خانی، بهرامی پور و عابدی (۱۳۹۹) نشان داد آموزش هوش موفق توانسته است بر مهارت حل مسئله کودکان پیش‌دبستانی تأثیر معناداری بگذارد و عملکرد حل مسئله را بهبود بخشد. از این‌رو پیشنهاد می‌شود روش آموزش هوش موفق در جهت افزایش حل مسئله کودکان پیش‌دبستانی باید استفاده گردد. نگهبان اسلامی، فرزاد و صرامی (۱۳۹۲) پژوهشی مبنی بر تأثیر آموزش هوش موفق بر تفکر انتقادی، خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان انجام داده است که نشان داد بسته آموزشی هوش موفق که مبتنی بر پرورش تفکر تحلیلی، خلاق و عملی است می‌تواند بر تفکر انتقادی، خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت داشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که برای موفقیت بیشتر دانش‌آموزان در مدرسه و محیط زندگی، علاوه بر آموزش‌های مرسوم کلاسی، مهارت‌های تفکر تحلیلی، خلاق و عملی هم در قالب بسته آموزشی هوش موفق آموزش داده شود.

آزادمرد، کجباف، فرامرزی و طالبی (۱۳۹۲) به مقایسه اثربخشی آموزش مبتنی بر هوش موفق و روش آموزش مرسوم بر بازده‌های شناختی و عاطفی یادگیری دانشجو معلمان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد آموزش مبتنی بر هوش موفق و روش آموزش مرسوم در بیشتر بازده‌های شناختی و عاطفی یادگیری (درک، مهارت تحلیل، مهارت خلاق، مهارت عملی، ادراک خودتحصیلی، و نگرش به استاد و کلاس) تفاوت معنی‌داری دارند. اما در نگرش به دانشگاه، انگیزش/خود نظم دهی و ارزش-گذاری هدف‌ها تفاوت معنی‌داری ندارند. اکبری موید (۱۳۹۸) آموزش هوش موفق در قالب ارائه محتوای آموزشی به بهبود حل مسئله آنان از طریق فراهم کردن درک عمیق موضوعات، فراهم کردن سرنخ‌های بازیابی بیشتر هنگام یادآوری و ایجاد انگیزه بیشتر در دانش‌آموزان مؤثر است. استنبرگ (۲۰۱۵) معتقد است آموزش تواناهای هوش موفق می‌تواند عملکرد تحصیلی بالاتر دانش‌آموزان، تقویت نقاط قوت و جبران کاستیها و نقاط ضعف را به همراه دارد.

استبرگ (۲۰۰۲). هوش موفق، مجموعه‌ای یکپارچه از توانایی‌های موردنیاز برای موفقیت در زندگی است. البته فرد آن را درون بافت اجتماعی و فرهنگی خود تعریف می‌کند (استنبرگ، ۲۰۱۵) با به‌کارگیری راهکارهای آموزشی این نظریه منجر می‌گردد

و سبب می‌شود که آن‌ها نه تنها در تحصیل بلکه با تقویت توانمندی‌شان در توانش عملی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی، حرفه‌ای و زندگی روزمره نیز کسب موفقیت کنند (استنبرگ، ۲۰۰۲). هوش موفق توانایی دستیابی به موفقیت در زندگی، با توجه به استانداردهای شخصی خود در محیط اجتماعی و فرهنگی به‌منظور انطباق و انتخاب محیط؛ از طریق شناختن و سرمایه‌گذاری بر نقاط قوت و بهبود و جبران ضعف‌ها از طریق توازن توانایی‌های تحلیلی، خلاق و عملی می‌باشد (مایسوره و ویجی لاکسمی، ۲۰۱۸؛ استنبرگ، تادهانتر، لیتواک و استنبرگ، ۲۰۲۰). هوش موفق شامل هوش تحلیلی (تحلیل، ارزیابی و مقایسه، تفکر و حل مسئله)، (هوش عملی (به کار گیری دانش برای حل مشکلات روزمره اجتماعی) و هوش خلاق (خلق ایده‌های جدید و کنار آمدن با شیوه‌های تازه با مشکلات) می‌شود (باسزینسکا و تورنتون، ۲۰۱۷؛ مندلمن، باربوت و گریگورنکو، ۲۰۱۵). افراد دارای هوش موفق با برقراری تعادل توانایی‌های تفکر تحلیلی، خلاق، عملی قادر به انطباق با محیط، تغییر آن، انتخاب محیط هستند (استنبرگ، ۲۰۱۵). حل مسئله اجتماعی نیاز به قدرت تحلیل خوب دارد که این تحلیل از وظایف اصلی هوش تحلیلی است.

نظریه هوش موفق از نظریه‌های کارآمد و جامع در حوزه هوش انسان است که در مقایسه با نظریه‌های سنتی مزایای زیادی دارد (استنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۰۷). هوش موفق به‌عنوان توانایی کسب موفقیت مبتنی بر اهداف شخصی در بافت فرهنگی-اجتماعی با کاربرد تعادل در استفاده از مهارت‌های عملی، خلاق، تحلیلی در نظر گرفته می‌شود (استنبرگ، ۱۹۹۹). توانایی تحلیلی به معنی مقایسه و ارزیابی مقدمات مورد نیاز برای حل مسئله و فرآیندهای تصمیم‌گیری است (استنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۰۴). توانایی عملی نیز برای تصمیم‌گیری در مورد تعمیم دانش مکتسب در چینی‌جاها مختلف استفاده می‌گردد؛ مانند کاربرد دانش روندی برای حل مسائل روزمره (چارت، گریگورنکو و استنبرگ، ۲۰۰۸). مرتضی راد (۱۳۹۸) برنامه آموزشی موفق بر حل مسئله اثر مثبت دارد. نتایج پژوهش‌های یوسفی و باقر (۱۳۹۷) و حامدیان (۱۳۹۰)؛ جلیل آبکار، عاشوری و مولوی (۱۳۹۱) نشان داد که هوش شناختی بر مهارت حل مسئله اثربخش است. قبادی، حبیبی، فرید، مصرآبادی (۱۴۰۰) نشان داد آموزش هوش موفق منجر به حل مسائل اجتماعی دانش آموزان دوره ابتدایی می‌شود.

استنبرگ معتقد است که در آموزش، ایجاد موازنه بین سه نوع هوش مهم است؛ یعنی علاوه بر راهکارهای معمولی که بر یادگیری صرف و به خاطر سپاری اطلاعات تمرکز دارد، باید فرصت‌هایی را برای آموختن از راه تفکر تحلیلی، خلاق و عملی به فراگیران داد (سانتروک، ۲۰۰۷). آموزش هوش موفق برای دانش آموزان از این لحاظ دارای اهمیت و ضرورت است که به آن‌ها یاری و کمک می‌دهد تا به سطحی از پیشرفت در حل مسائل آموزشی خود برسند که با توانایی‌ها و مهارت‌هایشان تناسب دارد. آموزش هوش کاملاً با مدرسه گروه خورده و نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد (سیانسیلو و استنبرگ، ۲۰۰۴). در نظام آموزشی و مدارس به تفکر تحلیلی توجه شده است این بدان معنی است که به تفکر خارج از مدرسه دانش آموزان آن هم در دنیای واقعی اهمیت تفکر خلاق و به‌ویژه تفکر عملی، خیلی بیشتر مورد انتظار است (استنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۰۷).

تلاش‌هایی درباره اثربخشی آموزش هوش موفق در حوزه‌های گوناگون آموزشی و تربیتی به‌صورت مجزا و در سایر فرهنگ‌ها که از حیث ارزش‌ها و مبانی اعتقادی، فرهنگی، سبک زندگی، ویژگی‌های قوی-قبیله‌ای و سایر شرایط با ما متفاوت هستند، صورت گرفته است. متأسفانه نظام آموزشی به حافظه و نمره دانش آموزان توجه بیشتری دارند تا به پیشرفت و یادگیری و فهم مطالب از این‌روی خلأ توجهی به هوش موفق دیده می‌شود به شکل یک دغدغه پژوهشی برای پژوهشگر شد تا با مطالعه در این زمینه و نشان دادن اهمیت هوش موفق در پیشبرد اهداف آموزشی و تربیتی خلاءهای لازم در این زمینه را نمایان سازد و به

^۱Mysore, L., & Vijayalaxmi, A.

^۲Baczynska, A., & Thornton, G. C.

^۳Mandelman, S.D., Barbot, B., & Grigorenko, E. L.

^۴Chart, H., Grigorenko, E. L., & Sternberg, R. J.

^۵Santrock, J. W.

^۶Sternberg, R.J. Grigorenko, E.L. Jarvin, L.

شکل بازخوردی به نظام آموزشی راهکارهایی را در این زمینه پیشنهاد دهد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد بررسی این است که آیا آموزش‌های هوش موفق بر حل مسائل آموزشی دانش آموزان تأثیر دارد یا نه؟

روش شناسی پژوهش:

پژوهش حاضر، از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده ها روش نیمه آزمایشی و با بهره‌گیری از روش طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل است. با توجه به موضوع مورد مطالعه جامعه را کودکان پایه ششم مدارس ابتدایی شرق تهران قرار دادیم که بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۴۰ نفر را انتخاب کردیم. از این ۴۰ نفر ۲۰ نفر را گروه آزمایش و ۲۰ نفر را گروه کنترل قرار دادیم. ملاک ورود به پژوهش عبارت است از عدم شرکت به‌صورت همزمان در سایر جلسات آموزشی، تکمیل کردن پرسشنامه با میل و رغبت، داشتن آمادگی جسمی و روانی لازم. ملاک خروج، شامل غیبت بیش از دو بار در جلسات آموزشی و یا تمایل به خروج شرکت کننده، از فرآیند پژوهش است. برای رعایت ملاحظات اخلاقی پس از پایان مراحل پژوهش، برای دانش‌آموزانی که تمایل داشتند در برنامه آموزشی شرکت کنند، جلسات آموزشی اجرا گردید. برنامه آموزشی که شامل بسته هوش موفق بابایی (۱۳۹۵) بود مه دارای سه بحث کلی مهارت‌های تحلیلی، خلاق و مهارت‌های عملی بود. گروه کنترل نیز هیچ آموزشی دریافت نکردند و گروه آزمایش هر جلسه به مدت یک ساعت و نیم در هر هفته آموزش دیدند. در ابتدای هر جلسه مدت زمان، هدف از انجام این طرح پژوهشی خدمت دانش آموزان ارائه شد. محتوای جلسه آموزش هوش موفق در جدول ۱ ارائه شده است.

محتوا	جلسات	موضوع و اهداف جلسات آموزشی هوش موفق	
آموزش توانش تحلیلی	اول	معارفه، اهداف دوره، ساختار دوره و ایجاد انگیزه در دانش آموزان	
	دوم	تشخیص مسائل و مشکلات محیط زندگی و فرایندهای مرتبط با هر مسئله و بررسی عمیق آن، شناخت منابع مرتبط با مسئله و تخصیص منطقی منابع	
	سوم	ایجاد مهارت سازماندهی اطلاعات با استفاده از صورت‌بندی مراحل حل مسئله و بازنمایی ذهنی، ایجاد مهارت در انتخاب راه‌حل برای مسئله موردنظر	
	چهارم	ایجاد مهارت در نظارت بر راهبردهای حل مسئله و ایجاد مهارت ارزیابی ایده	
	پنجم	ایجاد مهارت بازنگری در مسئله و طرح مجدد آن، ایجاد مهارت اندیشیدن به روش‌های نو و جایگزین کردن بجای روش‌های قدیمی با بررسی دقیق و منطقی مسئله	
	ششم	ایجاد مهارت دفاع از کار خلاق و روش‌های نو	
	هفتم	ایجاد مهارت در ارائه ایده‌های بیشتر، ایجاد مهارت در بازنگری و بررسی کردن یک مسئله از زوایای مختلف	
	هشتم	ایجاد مهارت در شناسایی و سازمان‌دهی ایده‌ها و ایجاد مهارت در شناسایی و زیر سؤال بردن موقعیت‌ها و ایده‌های موجود	
	آموزش توانش عملی	نهم	ایجاد مهارت در کنترل اندیشه‌های تکانشی و جایگزینی آن با تأمل بیشتر، پی بردن به این نکته که چه وقت باید استقامت کرد و چه زمانی باید دست از تلاش برداشت
		دهم	ایجاد مهارت در برانگیخته نگاه‌داشتن خود، انطباق فعالیت‌ها با توانایی‌های

فرد		
ایجاد فهم تلاش تا رسیدن به نتیجه پایانی و مدیریت مشکلات شخصی	یازدهم	
ایجاد فهم برعهده گرفتن مسئولیت کارهای خود و عدم استفاده از دلسوزی برای خود تجمع بندی مطالب ارائه شده در طول دوره آموزشی	دوازدهم	

بعد از آموزش و طی شدن جلسات تعریف شده، پرسشنامه حل مسئله آموزشی محقق ساخته به دانش آموزان داده شد. بعد از گردآوری داده‌های و تجزیه و تحلیل آن‌ها از طریق آزمون کوواریانس و نرم‌افزار SPSS نتایج گزارش شد.

یافته‌ها:

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی حل مسائل آموزشی

گروه	آزمون	میانگین	انحراف	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
آزمایش	پیش آزمون	۳۱/۲۵	۴/۰۸	-۰/۷۴	۰/۸۹	۲۳	۳۵
	پس آزمون	۱۷/۱۲	۳/۱۴	-۰/۱۱	۱/۰۹	۱۴	۱۹
کنترل	پیش آزمون	۲۹/۲۵	۴/۶۱	-۱/۲۰	۰/۹۴	۲۵	۲۷
	پس آزمون	۲۸/۸۳	۴/۹۳	-۰/۹۸	۰/۲۱	۲۳	۲۵

در جدول ۲ شاخص‌های میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی در متغیر حل مسائل آموزشی ملاحظه می‌شود. میزان میانگین پرخاشگری در گروه آزمایش در پیش آزمون ۳۱/۲۵ و پس آزمون ۱۷/۱۲ با انحراف استاندارد ۳/۱۴ و میزان پرخاشگری در گروه کنترل پیش آزمون ۲۹/۲۵ با انحراف استاندارد ۴/۶۱، پس آزمون ۲۸/۸۳ با انحراف استاندارد ۴/۹۳ به دست آمد.

براساس استفاده از آزمون تحلیل کواریانس باید چهار شرط اساسی رعایت شود، ۱- خطی بودن رابطه پیش آزمون و پس آزمون ۲- همگنی واریانس متغیرها ۳- استقلال داده‌ها و ۴- کمی بودن متغیر وابسته.

برای استقلال داده‌ها از آنجا که هم انتخاب افراد نمونه و هم انتصاب افراد نمونه در گروه‌ها، تصادفی است، لذا می‌توان ادعا داشت که داده‌ها از هم مستقل هستند و لذا استقلال داده‌ها رعایت شده است. در مورد کمی بودن متغیر داده‌ها از آنجا که ابزار تحقیق طوری است که همه متغیرهای وابسته، کمی (باطیف لیکرت) ارزیابی شده است، لذا این فرض نیز رعایت شده است. درخصوص دو فرض دیگر نیز برای خطی بودن رابطه پیش آزمون و پس آزمون از آزمون کرویت موخلی استفاده شده است که نتایج آن در جدول قابل مشاهده است. در مورد همگنی واریانس متغیرها نیز از آزمون لون استفاده شده است که نتایج آن در جدول ارائه شده است.

جدول ۳: آزمون خطی بودن رابطه پیش آزمون و پس آزمون

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	میانگین مجذورات	مقدار معناداری
حل مسائل آموزشی	۳۰/۰۷	۲	۱۵/۰۴	۳/۰۵	.۱۰

با توجه به مندرجات جدول ۳، F بدست آمده و مقدار معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ نشان می‌دهد مفروضه خطی بودن رابطه بین پیش آزمون‌ها و متغیر مستقل برقرار است (آزمون پیرسون)

جدول ۴: آزمون لون به منظور بررسی همگنی واریانس‌ها

متغیر	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	مقدار معناداری
حل مسائل آموزشی	۱/۲۴	۲	۵۸	.۳۰

با توجه به مندرجات جدول ۴، به توجه به اینکه شرط معنادار بودن در آزمون لون بالاتر بودن سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ است بنابراین پیش فرض همگنی واریانس دو گروه برقرار است. به منظور استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس ابتدا به بررسی مفروضات پرداخته می‌شود.

جدول ۵: تحلیل کوواریانس تفاوت میانگین حل مسائل آموزشی در دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	مقدار معناداری
مدل اصلاح شده	۸۷۲/۷۷	۲	۲۹۰/۹۲	۱۹/۲۸	.۰۰۱
عرض از مبدا	۴۶/۱۵	۱	۴۶/۱۵	۳/۰۶	.۰۰۳
پیش آزمون	۲۱۱/۲۱	۱	۲۱۱/۲۱	۱۴	.۰۰۱
گروه	۷۵/۰۴	۲	۳۷۵/۵۲	۲۴/۸۹۰	.۰۰۱
خطا	۴۸۲/۷۹	۵۸	۱۵/۰۹		
کل	۱۴۵۰۴	۶۰			
کل اصلاح شده	۱۳۵۵/۵۶	۵۹			

به منظور بررسی اثر مداخله بر افزایش حل مسائل آموزشی و تعدیل اثر پیش آزمون بر پس آزمون از تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج نشان می‌دهد متغیر مستقل (گروه) تأثیر معناداری بر متغیر وابسته (حل مسائل آموزشی) داشته است ($P < .001$ و $F = 24/89$). بنابراین فرضیه پژوهش در سطح معناداری ۰/۰۱ با ۹۹٪ اطمینان پذیرفته می‌شود؛ بنابراین آموزش هوش موفق موجب افزایش حل مسائل آموزشی توسط خود دانش آموزان می‌شود.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج نشان داد آموزشهای هوش موفق که متشکل از (تحلیلی، خلاق و عملی) میباشد که منجر به افزایش حل مسائل و مشکلات آموزشی دانش آموزان خواهد شد. این یافته با مطالعات بابایی، مکتبی، بهروزی و آتش افروز (۱۳۹۵)، ابراهیمی حکیم زاده و حجازی (۱۳۹۵)، خانی، بهرامی پور و عابدی (۱۳۹۹)، نگهبان اسلامی، فرزاد و صرامی (۱۳۹۲)، ف. آزادمرد، کجباف، فرامرزی و طالبی (۱۳۹۲)، اکبری موید (۱۳۹۸)، استنبرگ (۲۰۱۵)، استبرگ (۲۰۰۲)، مایسوره و ویجی لاکسمی (۲۰۱۸)، استنبرگ، تادهانتر، لیتواک و استنبرگ (۲۰۲۰)، باسزینسکا و تورنتون (۲۰۱۷)، مندلمن، باربوت و گریگورنکو (۲۰۱۵)، استنبرگ، (۲۰۱۵)، مرتضی راد (۱۳۹۸)، یوسفی و باقر (۱۳۹۷) و حامدیان (۱۳۹۰)؛ جلیل آبکار، عاشوری و مولوی (۱۳۹۱) و قبادی، حبیبی، فرید، مصرآبادی (۱۴۰۰) مطابقت دارد چراکه معتقدند آموزشهای هوش موفق به حل مشکلات دانش آموزان کمک میکند و منجر به موفقیت و پیشرفت دانش آموزان میشود. در تبیین این یافته میتوان گفت دانش آموزان با مسائل و مشکلات آموزشی همیشه مواجه هستند که باید به دنبال راهکاری بود که آنها این توانمندی را داشته باشند که بتوانند این مسائل و مشکلات را حل و فصل کنند، که یکی از این راهکارها، آموزشهای هوش موفق به دانش آموزان تشخیص داده شد. آموزش هوش موفق به دانش آموزان کمک می کند فرد در شناسایی نقاط قوت و ضعف خود می کوشد به عبارتی دانش آموزان این آگاهی را کسب می کند که در کجای آموزش و یادگیری دچار ضعف است و بعد از شناخت از نقطه ضعف قادر خواهد بود مشکل را بعد از شناسایی از طریق مهارت های حل مسئله و تدبیر در آن حل کند. بنابراین باید برای حل مسائل آموزشی از راه آموزش مولفه های هوش موفق و پرورش توانایی های سه گانه تحلیلی، خلاق و عملی در دانش آموزان ایجاد کرد تا آنها از طریق شناسایی مشکلات آموزشی که دارند از طریق مهارت ها بتوانند آنها را برطرف نمایند. دانش آموزان از طریق توانش تحلیلی از طریق شناسایی منابع و سازمان دهی اطلاعات، انتخاب راه حل ها، نظارت و ارزیابی آنها، توانش خلاق از طریق برانگیختن ایده ها، چندبعدی نگریستن، سازمان دهی ایده ها و زیر سال بردن موقعیت ها و روش ها، ارائه راهکار خلاق و توانش عملی از طریق عمل کردن روی یک موضوع، مدیریت مشکلات و تعیین مسئولیت می تواند خیلی از مشکلات و مسائل آموزشی را برای دانش آموزان حل کند. توجه به توانش تحلیل عملی و خلاق در فرآیند تحصیل و آموزش منجر به ایجاد تغییر و تحول در دانش آموزان و سوق دادن آنها به سمت پیشرفت و عملکرد تحصیلی مثبت می گردد. در ادامه پیشنهاد می گردد؛

- پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی تعداد بیشتری آزمودنی دانش آموزان مقاطع مختلف توسط پژوهشگر به شیوه های دقیق تر و اثربخش تر مورد پژوهش قرار گیرد تا بتوان قدرت تعمیم پذیری را ایجاد کرد
- توصیه می شود این تحقیق علمی با زمان پیگیری بیشتری انجام شود تا پایداری اثرات آن در مدت زمان طولانی تر مورد بررسی دقیق تری قرار گیرد.
- پیشنهاد می شود این پروتکل بر روی جمعیت های مختلف و یا شیوه های مختلف اجرا گردد تا روایی درونی و بیرونی آن با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد و بر اعتبار درونی و بیرونی آن اضافه شود.
- توصیه می شود در پایان اجرای این آموزش ها و پژوهش ها یک نیازسنجی از نیازهای آموزشی بیشتر در این زمینه از سوی افراد سازمان به عمل آید.

منابع و مراجع

- [۱] استنبرگ، رابرت؛ و گریگورنکو، النا. (۲۰۰۷). تدریس در جهت پرورش هوش موفق (ترجمه فرشته چراغی و همکاران، ۱۳۹۰). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- [۲] استنبرگ، رابرت؛ و همکاران. (۲۰۰۰). هوش عملی در زندگی روزمره (ترجمه الهه حجازی و یاسمین عابدینی، ۱۳۸۵). تهران: انتشارات آگاه.
- [۳] اکبری موید، سمیه. (۱۳۹۸). نقش منبع کنترل و توانایی حل مسئله اجتماعی در پیش بینی انگیزه پیشرفت دانش آموزان. *رویش روان شناسی*، ۸ (۳)، ۷۳-۸۰.

- [۴] آزادمرد، شهرنم، کجباف، محمدباقر، فرامرزی، سالار، طالبی، هوشنگ. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی آموزش مبتنی بر هوش موفق و روش آموزش مرسوم بر بازده های شناختی و عاطفی یادگیری دانشجویان، مطالعات آموزش و آموزشگاه‌های، دوره دوم، ۳.
- [۵] بابایی، علی. (۱۳۹۵). تاثیر آموزش موفق بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، رساله دکتری، دانشگاه شهید چمران.
- [۶] بلوم، بنجامین؛ انگلهارت، ماکس؛ فرست، ادوارد؛ هیل، واکر؛ و کراتول، دیوید. (۱۹۵۶). *طبقه بندی هدفهای پرورشی، کتاب اول: حوزه شناختی*. (ترجمه علی اکبر سیف و خدیجه علی آبادی، ۱۳۶۸). تهران: رشد.
- [۷] پارسا، عبدالله؛ ساکتی، پرویز. (۱۳۸۴). بررسی روابط ساده و چندگانه ساخت و سازگرایی در کلاس و شیوه اجرای برنامه درسی (رویکردهای تدریس و ارزیابی) با رویکردهای یادگیری دانشجویان در دوره های کارشنای دانشگاه شیراز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳(۴): ۱۸۴-۱۴۷.
- [۸] جلیل آبکنار، سیده سمیه؛ عاشوری، محمد و مولوی، گیتا. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی در بهبود مهارت‌های حل مسئله ریاضی در دانش‌آموزان دختر کم‌توان ذهنی پایه سوم راهنمایی. *مجله پژوهش در علوم توان‌بخشی*، ۸(۳)، ۳۹۱-۴۰۱.
- [۹] حامدیان، صالحه. (۱۳۹۰). بررسی میزان اثربخشی هوشهای چندگانه گاردنر بر عملکرد حل مسئله ریاضی بر اساس طبقه بندی اصلاح شده بلوم در دانش آموزان دختر دوم راهنمایی شهر قوچان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- [۱۱] خانی، رضوان، بهرامی پور، منصوره، عابدی، احمد. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش هوش موفق بر مهارت حل مسئله کودکان پیش دبستانی، نشریه پرستاری کودکان، ۶(۳).
- [۱۲] دانش پژوه، زهرا. (۱۳۸۲). ارزشیابی مهارت‌های حرفه‌ای معلمان علوم و ریاضی دوره راهنمایی و ارائه روشهای ارتقاء کیفی آن. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۲(۶): ۹۳-۶۹.
- [۱۳] رابرت. ج استرنبرگ، النائونیدوونا گریگورنگو. (۲۰۱۱). *تدریس در جهت هوش موفق برای افزایش یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزان* رجمه فولادوند، خدیجه؛ چراغی، فاطمه، عبیدی زادگان، افسانه (۱۳۹۲). جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی، البرز.
- [۱۴] سیانسیلو، آنا؛ و استرنبرگ، رابرت. (۲۰۰۴). *هوش: نظریه‌ها، اندازه‌گیری، و آموزش*. (ترجمه محمد امیری مجد و سالار فرامرزی، ۱۳۹۰). اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- [۱۵] شکوهی یکتا، محسن، دوایی، مهدی، زمانیف نیره، جواد، پورکریمی، شریفی، علی. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش برنامه « من میتوانم مشکل را حل کنم » بر بهبود مهارت حل مسئله و مهارت های اجتماعی دانش آموزان پیش دبستانی و پایه اول، تازه های علوم شماختی، ۱۵(۳).
- [۱۶] قبادی، لیلا، حبیبی کلیر، رامین، فرید، ابوالفضل، مصر آبادی، جواد. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش هوش موفق بر حل مسئله اجتماعی دانش آموزان دوره ابتدایی، روانشناسی اجتماعی، ۴۲، ۹۳-۱۱۰.
- [۱۷] مرتضایی راد، حدیث. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش هوش موفق بر مسئله و تفکر خلاق در درس علوم تجربی دانش آموزان دختر ششم شهرستان مسجد سلیمان، اولین همایش ملی مدرسه فردا، اردیبل، دانشگاه محقق اردیبل.

- [۱۸] نگهبان سلامی، محمود. (۱۳۹۲). تاثیر آموزش هوش موفق بر تفکر انتقادی، خودکارآمدی، و عملکرد تحصیلی دانش آموزان. رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی. تهران.
- [۱۹] هاشمی، بهروز، غضنفری، احمد، شریفی، طیبه، احمدی، رضا. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مولفه های هوش موفق بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر، مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، شماره ۳۶.
- [۲۰] یوسفی، سمیه و باقر پور، معصومه. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مبتنی بر نظریه هوش چندگانه بر مهارت های حل مسئله و تفکر نقادانه دانش آموزان. فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۶ (۳)، ۵۳-۶۴.

- [21] Sternberg, R.J. (2005). Teaching college students that creativity is a decision. *Guidance & Counselling*, 19(4), 196-200
- [23] Sternberg, R. J. (2005). The theory of successful intelligence. *Interamerican Journal of Psychology*, 39(2). ۲۳. Sternberg, R. J. (۲۰۱۴). Teaching about the nature of intelligence. *Intelligence*, 42, 176-179.
- [24] Sternberg, R. J., & Grigorenko, E. L. (2007). Teaching for successful intelligence: To increase student learning and achievement. Corwin Press.
- [25] Sternberg, R. J., Grigorenko, E. L., & Jarvin, L. (2001). Improving Reading Instruction: The Triarchic Model. *Educational Leadership*, 58(6), 48-52.
- [26] Sternberg, R. J., Grigorenko, E. L., & Singer, J. L. (2004). Creativity: From potential to realization. American Psychological Association.
- [27] Baczynska, A., & Thornton, G. C. (2017). Relationships of analytical, practical and emotional intelligence with behavioral dimensions of performance of top i managers. *International Journal of Selection and Assessment*, 25(2), 171-182.
- [28] Chart, H., Grigorenko, E. L., & Sternberg, R. J. (2008). Identification: The Aurora Battery.
- [29] Mandelman, S.D., Barbot, B., & Grigorenko, E. L. (2015). Predicting academic performance and trajectories from a measure of successful intelligence. *Learning and Individual Differences*, 51, 387-393.
- [30] Mysore, L., & Vijayalaxmi, A. (2018). Significance of successful intelligence in the academics of adolescents: a literature review. *International Journal of Home Science*, 4(1), 13-16.
- [31] Santrock, J. W. (2007). A topical approach to life-span development, 3E. Ch, 5, 192.
- [32] Sternberg, R. J. (1999). A triarchic approach to the understanding and assessment of intelligence in multicultural populations. *Journal of School Psychology*, 37(2), 145-159.
- [33] Sternberg, R. J. (2002). Raising the achievement of all student: Teaching for successful intelligence. *Educational Psychology Review*, (14), 383-393.
- [34] Sternberg, R. J. (2007). Thinking styles. Cambridge University Press.
- [35] Sternberg, R. J. (2015). Successful intelligence: A model for testing intelligence beyond IQ tests. *European Journal of Education and Psychology*, 8(2), 76-84.
- [36] Sternberg, R. J., & Grigorenko, E. L. (2004). Successful intelligence in the classroom. *Theory into practice*, 43(4), 274-280..
- [37] Sternberg, R. J., & Jarvin, L. Grigorenko. EL (2011). Explorations in giftedness.
- [38] Sternberg, R. J., Kaufman, J. C., & Grigorenko, E. L. (2008). Applied intelligence. Cambridge: Cambridge University Press. - Sternberg, R.J.; Todhunter, R.J.E.; Litvak, A.;
- [39] Sternberg, K. (2020). The Relation of Scientific Creativity and Evaluation of Scientific Impact to Scientific Reasoning and General Intelligence. *J. Intell*, 8, (17).

[40]Sternberg, R.J.; Todhunter, R.J.E.; Litvak, A.; Sternberg, K. (2020). The Relation of Scientific Creativity and Evaluation of Scientific Impact to Scientific Reasoning and General Intelligence. J. Intell, 8, (17).

